بررسی سیر تحول نیازهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در ۵ دهه گذشته و همچنین نحوه بروز آنها در گفت‌وگو با سعید معیدفر، جامعه‌شناس

فرازوفرودهای امید در طبقه متوسط

اعتراضات از همان روزهای نخست پس از انقلاب شروع شد. گروه‌های سیاسی مختلف که هرکدام برای خودشان سهمی از انقلاب قائل بودند، مطالبه‌گری را متوقف نکردند. اگرچه هرکدام مسیر و روشی را انتخاب و راهی را پیش گرفتند که بررسی آن در این مقال نمی‌گنجد. این اعتراضات فقط به سیاست و سهم‌خواهی از قدرت محدود نبود. برای نمونه در همان زمان هم گروه‌هایی به مسئله حجاب تعریف‌شده پس از انقلاب معترض بودند. اگر نموداری فرضی برای اعتراضات دهه‌های پس از انقلاب متصور باشیم، این نمودار در دوران جنگ چندان فرازی ندارد. پس از آن اما در ادوار مختلف شاهد اعتراضات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوده‌ایم که به نظر می‌رسد در دهه اخیر شدت، حدت، تعدد و ترتیب و ترتب آن تغییر معناداری داشته است. پس از اعتراضات سال ۱۳۹۸ برخی ناظران هشدار داده بودند که هرچه می‌گذرد، بازه زمانی بین شکل‌گیری اعتراضات کم و کمتر می‌شود؛ هشداری که چندان جدی گرفته نشد تا تابستان ۱۴۰۱ رقم خورد، نقطه‌ای که از منظر بسیاری از کنشگران سیاسی و اجتماعی پیشتر هم هشدار داده شده بود. «شبکه شرق» ادوار مختلف اعتراض پنج دهه اخیر و علل موجده آن را در گفت‌وگو با سعید معیدفر، جامعه‌شناس بررسی کرده است. او ضمن تشریح فراز و فرود اعتراضات سال‌های گذشته به گزاره‌ای اشاره می‌کند که به زعم او جدی گرفته نمی‌شود و آن «رفع‌نشدن علل مبقیه این اعتراضات و غلبه تفکر به‌اصطلاح «جمع‌کردن» اعتراضات» است.

◆ ما در دهه اول انقلاب هم اعتراضات سیاسی داشتیم و حتی شاهد اعتراض به اجباری‌شدن حجاب بوده‌ایم. با این حساب شما معتقدید تنوع و تعدد نظراتی وجود داشته که به دلیل شرایط انقلابی، خواسته‌ها مطرح نشده یا لااقل پافشاری بر این خواسته‌ها وجود نداشته است؟

با توجه به تأثیر عمیقی که معمولا یک انقلاب سیاسی-اجتماعی روی مردم می‌گذارد، فرایند یا ایدئولوژی انقلابی عملا یک عامل پوششی می‌شود که همه جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و همگان را به سمت نوعی به تأخیر انداختن نیازها و خواسته‌های خود می‌کشاند. به‌هرحال این انقلاب در یک جامعه رنگارنگ با اقوام، فرهنگ، طبقات و گروه‌های اجتماعی مختلف اتفاق افتاده و هرکدام از آنها نیازها و خواسته‌های متفاوتی دارند. اما انقلاب اندیشه و ایدئولوژی خود را از طریق انبوه خلق اعمال می‌کند و درمجموع بسیاری را وادار و ناچار می‌کند که نیازها و خواست‌های خود را به تعویق بیندازند. اگرچه بعضا تعداد محدودی از آنها نمی‌توانند این کار را بکنند و اعتراضات خود را در همان روزهای اول بروز می‌دهند اما بخش عظیم‌تری از جمعیت یا انبوه خلق با توجه به تأثیری که ایدئولوژی موجود می‌گذارد، سعی می‌کنند خواسته‌ها را نادیده بگیرند.

بدون تردید جامعه رنگارنگ، با تنوع فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حتی قومی نمی‌تواند در یک روز و در یک فاصله زمانی کوتاه، به‌واسطه انقلاب تغییر کند. انقلاب‌ها در همان روزهای وقوع یکپارچه است اما به محض اینکه به روزهای بعدی کشیده شد، خواسته‌ها بروز می‌کند.

مثلا جریان‌های سیاسی اولین گروه‌هایی بودند که تمایز خودشان را از آنچه درحال رخ‌دادن بود، نشان دادند. برخی از گروه‌های سبک زندگی، مثل کسانی که حجاب خاصی داشتند و آن حجاب برایشان اهمیت داشت، جسارت بیشتری داشتند و تفاوت را خیلی عمیق‌تر درک می‌کردند، ممکن است خودشان را نشان بدهند اما گروه‌هایی که کمتر این فاصله را احساس می‌کنند، ممکن است بروز خواسته‌ها را به تعویق بیندازند.

◆ در دهه ۶۰ و پس از انقلاب بلافاصله وارد جنگ می‌شویم. آمار و ارقام و شرایط نشان می‌دهد که اتفاقا وضعیت اقتصادی بغرنج بوده است، اما در آن زمان بیشتر شاهد اعتراضات سیاسی هستیم که درواقع اختلافات گروه‌های انقلابی برای داشتن سهم بیشتر از قدرت است. این دهه را چطور می‌بینید؟

دهه ۶۰، دهه‌ای است که کشور در معرض خطر امنیتی و بقاست. کشور دیگری مهاجم است و بخشی از مرزهای سرزمین اشغال شده و بمباران و اتفاقات دیگری در حال رخ‌دادن است که اگر سطوح نیازهای مازلو را در نظر بگیریم، مسئله امنیت در درجه اول اهمیت قرار دارد. طبیعی است که این موضوع باز هم بخش دیگری از نیازها را به تعویق می‌اندازد و همگان بر این امر اعتقاد دارند که باید همه ما متمرکز شویم تا دشمنی که کشور را تهدید کرده، کنار بزنیم و بعد به سطوح بعدی برگردیم.

در ادبیات تئوریک هم مطرح است. وقتی نیازهای دیگری برای بقا دارید، طبیعی است که به سطوح بالاتر نیازها نمی‌روید؛ بنابراین یکی از دلایلی که ما در این دهه اعتراضات کمتری می‌بینیم، این است که جامعه احساس می‌کند در حال حاضر مسئله اصلی امنیت و حفظ سرزمین است.

◆ دهه ۷۰ اعتراضات اقتصادی شروع می‌شود. سیاست‌های تعدیل اقتصادی آقای هاشمی باعث می‌شود حاشیه‌نشین‌ها معترض شوند. حتی در آن دهه اعتراض آب و جیره‌بندی آب را هم داشته‌ایم. چه اتفاقی در جامعه رخ داده که مردم به این نتیجه برسند وقت آن است که خواسته‌هایشان را مطرح کنند؟

شرایط پیش از دهه ۷۰ هم اهمیت داشته است. بالاخره جنگ هم آثار خود را داشته و مضیقه‌های فراوان اقتصادی را ایجاد کرده است. مشکلاتی در کشور وجود دارد و طبیعی است به محض اینکه جنگ تمام می‌شود، این تقاضاها سر برمی‌آورد. دولت سازندگی آقای رفسنجانی هم تلاش می‌کند به‌سرعت نیازهای به تأخیر افتاده را جبران کند ولی طبعا آن برنامه‌ها با توجه به اختلاف فازی که بین این نوع برنامه‌ها با برنامه‌های ایدئولوژیکی که در دوران انقلاب و جنگ بوده، نوعی شکاف ایجاد می‌کند. خیلی راحت مسئولان بیان می‌کنند که الان شما باید نیازهایتان این شکلی باشد. حتی آنها هم توضیح می‌دهند که اگر تا الان نیازهایتان را به تعویق می‌انداختید، الان باید به این سمت حرکت کنید. ارزش‌های مادی اهمیت پیدا می‌کند، ولی طبیعی است که در این دوره با توجه به انفجار نیازها بعد از جنگ و با وجود تلاشی که دولت سازندگی دارد، در مجموع یک‌سری گروه‌ها به‌شدت تحت فشار قرار می‌گیرند؛ ازجمله حاشیه‌نشین‌ها که به نظر می‌رسد تا حالا کسی با آنها کاری نداشته است اما نهایتا وقتی برنامه‌های توسعه‌محور در دولت سازندگی انجام می‌شود، به نحوی این گروه را تحت فشار قرار می‌دهد. به‌هرحال تصمیم‌گیری‌ها در این حوزه هم بعضی گروه‌ها را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد. فقر با خود پیامدهایی دارد. هر برنامه توسعه‌ای نیز با خود پیامدهایی به همراه دارد. اولین گروه‌هایی که تحت تأثیر این پیامدها قرار می‌گیرند، معترضان اصلی هستند. در این دوره بیشتر حاشیه‌نشین‌ها بودند اما در انتهای آن دوره و در سال ۷۸ کم‌کم مسیر عوض می‌شود. درواقع ما با انتخابات سال ۱۳۷۶ وارد دوره‌ای جدید می‌شویم.

دهه ۷۰ به دو بخش تقسیم می‌شود؛ بخشی بلافاصله بعد از اتمام جنگ و بخش دیگر نزدیک به انتخابات ریاست‌جمهوری.

◆ به نظر می‌رسد بعد از دوره ریاست‌جمهوری سیدمحمد خاتمی، کم‌کم طبقه متوسط خود را نشان می‌دهد و خواسته‌ها و مطالباتش را مطرح می‌کند. خواسته‌ها در این دوره از مباحث اقتصادی به سمت حقوق شهروندی، حقوق مدنی و مطالبات اجتماعی پیش می‌رود. نقطه‌عطف این دوران کجاست؟

من فکر نمی‌کنم که خواسته‌های اقتصادی به خواسته‌های سیاسی تبدیل می‌شود. مهم این است که از این دوره طبقه متوسط شروع به ایفای نقش می‌کند. تا قبل از آن طبقه متوسط در درون کل جمعیت حذف شده بود و در دوران انقلاب و جنگ چندان تعیین‌کننده و تأثیرگذار نبود. در دوران سازندگی به‌تدریج زمینه‌های انسجام طبقه متوسط شکل می‌گیرد و این طبقه می‌آید تا نقش خود را برای تحولات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایفا کند. این قضیه قطعا در انتخابات سال ۷۶ خودش را نشان می‌دهد و در نهایت نماینده طبقه متوسط که آقای خاتمی است، در این رقابت بسیار سخت برنده می‌شود. در این دوره طبقه متوسط نقشی قوی ایفا می‌کند. پیشتاز آنها دانشجویان هستند که در اعتراضات سال ۷۸ خواسته‌های عمیق‌تر خود را بیان می‌کنند. بعد کم‌کم جریان اصلاحات تلاش می‌کند با تشکل‌ها و ایجاد نهادهای مدنی، فرصت‌هایی برای کنشگری بیشتر طبقه متوسط فراهم کند و این اتفاق می‌افتد و طبقه متوسط قوی‌تر می‌شود. نهادهای مدنی چه در داخل دانشگاه و چه در خارج آن شکل می‌گیرد. اینها فرصت‌های خوبی است که اتفاق می‌افتد. اما در اواخر دوره اول خاتمی، جریان‌های دیگر کم‌کم نسبت به اینکه این تحولات می‌تواند ارزش‌های انقلاب را تحت تأثیر قرار بدهد، احساس خطر می‌کنند. به عبارتی در انتهای دوره خاتمی شکاف نسلی تاریخی شروع به اتفاق‌افتادن می‌کند. نسل تاریخی که خودش را با تحولات مدرن و به‌روز سازگار می‌کند و طبقه متوسط نماینده آن است. نسل تاریخی که معرف دوره انقلاب و ارزش‌های خاص ایدئولوژیک و انقلابی آن دوره خصوصا با مرکزیت اسلامی است. در این دوره چالش عمیقی شکل می‌گیرد و شکل‌دهنده جریان‌های بعد از خودش است.

◆ با این توصیف می‌توان اعتراضات سال ۱۳۸۸ را نتیجه و محصول این شکاف شکل‌گرفته دانست؟

در آستانه سال ۱۳۸۴ شکاف بین این دو نسل تاریخی و شکاف عمیقی که آن نسل انقلاب به جریان اصلاحات وارد می‌کند، کم‌کم یأس و ناامیدی را در طبقه متوسط به وجود می‌آورد. این طبقه احساس می‌کند باوجود تلاش‌هایی که در دور دوم آقای خاتمی انجام می‌دهد، نمی‌تواند آن‌طورکه باید نقش خود را ایفا کند. نتیجه این می‌شود که ناامیدی نوعی عقب‌کشیدن طبقه متوسط است که در انتخابات سال ۸۴ خود را نشان داد و یک اشتباه استراتژیک درون اصلاح‌طلبان که عملا دو نماینده را معرفی می‌کنند. در مجموع هم می‌بینیم که با روی کار آمدن دولت نهم، زمینه برای نسل اول انقلاب که ارزشی هستند، فراهم می‌شود و آن طبقه به حاشیه می‌رود. یعنی از سال ۸۴ تا اواسط ۹۲ که انتخابات برگزار می‌شود، طبقه متوسط به حالت تعلیق می‌رود و در انتهای این دوره کم‌کم احساس می‌کند که باید دوباره وارد کنش شود.

◆ سال ۸۸ جرقه اعتراضات مهم بود و اقشار مختلفی به آن واکنش نشان دادند. در آن دوره طبقه متوسط خود را بازسازی می‌کند و می‌خواهد خود را نشان دهد یا موضوع را طور دیگری تحلیل می‌کنید؟

طبقه متوسط از فرصت انتخابات پیش‌آمده استفاده کرده و تلاش می‌کند به ایفای نقش مشغول شود؛ اگرچه ممکن است کاندیداها کاملا مورد تأییدش نباشند، اما رقابت بین جریانی که حامل ارزش‌های انقلاب است و نسل جدید و اصلاح‌طلبان ایجاد شده و این انتخابات فرصتی برای کنشگری فعال طبقه متوسط ایجاد می‌کند و نهایتا می‌بینیم که چه تبلیغات و کارناوال‌های بزرگی به‌ویژه در تهران به راه افتاد. بلافاصله در همان انتخابات ضربه هولناکی وارد می‌شود و طبقه متوسط دوباره به دوران خواب می‌رود.

◆ دهه ۹۰ بار دیگر رویکرد اقتصادی در اعتراضات قابل فهم و لمس است. فراگیرترین آن در ۹۶ و ۹۸ است؛ اما به نظر می‌رسد در حاشیه طرح اعتراضات و مطالبات اقتصادی، اعتراض به بسیاری از ناکارآمدی‌های اجرائی وجود دارد. بازگشت به مطالبات اقتصادی و اعتراضات این دهه را چطور می‌بینید؟

سال ۹۲ بعد از انتخاباتی که حسن روحانی پیروز آن بود، با وجود اینکه باز کاندیدای طبقه متوسط حسن روحانی نبود، اما به هر دلیل در تمایز میان او و بقیه کاندیداها، تقریبا طبقه متوسط دوباره فعال می‌شود. همچنین با ورود آقای خاتمی به جریان انتخابات، او می‌تواند زمینه‌هایی را برای فعال‌شدن طبقه متوسط به وجود آورد؛ اگرچه باز نصفه‌ونیمه است. البته یک اتفاق دیگر هم رخ داده؛ با توجه به تحریم‌هایی که از دوره آقای احمدی‌نژاد و در شورای امنیت سازمان ملل برای ما ایجاد شد، کشور از سال ۹۱ درگیر بحران عظیم اقتصادی می‌شود. سال ۹۱ یکباره قیمت ارز چندین برابر می‌شود و به لحاظ اقتصادی فشار عمیقی به مردم وارد می‌شود. اینجاست که مسئله تحریم‌ها اهمیتی چندین برابر پیدا می‌کند و طبقه متوسط که می‌خواهد نقش‌آفرینی کند، به دنبال جریانی است که بتواند سایه تحریم را از کشور دور کند. آقای روحانی موفق می‌شود که این کار را انجام دهد و در دور دوم به‌شدت به آقای روحانی اقبال می‌شود و با رأی بالاتری موفق به کسب کرسی ریاست‌جمهوری می‌شود؛ اما بلافاصله بعد از انتخاب ایشان، هنوز یک ماه نگذشته آقای روحانی عملا به مردم پشت می‌کند. در واقع به طبقه متوسط پشت می‌کند. دیگر نیاز به رأی ندارد؛ به همین دلیل تلاش می‌کند خودش را به نسل اول نزدیک کند. شاید انتظارات خاصی از آنها داشته است. درست در همان سال است که با توجه به شرایط اقتصادی، یکباره ناامیدی زیادی هم در طبقه متوسط و هم در بقیه اقشار مردم ایجاد می‌شود. طبقه متوسط خود را کنار می‌کشد و در نهایت خواست‌های اقتصادی از سوی طبقات پایین و حاشیه‌های شهری اهمیت پیدا می‌کند. هرگاه طبقه متوسط نقش اصلی خود را ایفا می‌کند، طبقات دیگر ذیل آن قرار می‌گیرند و می‌تواند هدایت جریان‌ها را بر عهده بگیرد. ببینید، بحران‌ها و مشکلات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که همواره وجود دارد، اما وقتی طبقه متوسط به‌شدت ناامید می‌شود و کنار می‌کشد و نقشی ندارد، جریان توده‌ها و حاشیه‌های شهر فعال می‌شود. سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ عملا کسانی به خیابان می‌آیند که بخش‌های بسیار آسیب‌پذیر جامعه هستند که به لحاظ اقتصادی در فشار عمیق‌تر قرار دارند؛ بنابراین در این دهه به این دلیل مسئله اقتصادی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که طبقه متوسط در آن نقش و تأثیر اصلی را ندارد؛ وگرنه طبقه متوسط می‌تواند به نوعی مسیر تحولات را به‌گونه‌ای تغییر دهد که در همه بخش‌ها اتفاق بیفتد؛ اما وقتی نقش آن از بین می‌رود، عملا کار به دست کسانی می‌افتد که خواسته‌های آنی دارند. مثلا درباره قیمت بنزین حاشیه‌نشینی یکباره تحریک می‌شود؛ بنابراین خشونت در درجه اول قرار می‌گیرد و تحولات، تغییرات و اصلاحات فرع بر آن قرار می‌گیرد.

◆ به نقطه ۱۴۰۱ می‌رسیم؛ اعتراضاتی که به نظر می‌رسد دامنه وسیعی داشته و شاید از آذر همان سال اعتراضات به شکل خیابانی شیب کندتری پیدا می‌کند؛ اما عملا اتفاقات متأثر از این اعتراضات آن‌قدر زیاد است که گویی شش ماه کشور در اعتراضات به سر می‌برد. همچنین به نظر می‌رسد برخورد و بازداشت گسترده‌تر است. علاوه بر آن به نظر می‌رسد جامعه اصراری بر اعتراض صرفا مدنی ندارد؛ یعنی اگر خشونت ببیند، خشونت می‌ورزد. اساسا به نظر شما ۱۴۰۱ خیلی متمایز از دهه‌های پیشین است؟

وجه تمایز اعتراضات ۱۴۰۱ عملا این است که جوانان و زنان دهه ۸۰ و ۷۰ هستند و ظاهرا محور اصلی اعتراضات هستند. همچنین به نظر می‌رسد در مراسم روز کوروش در پاسارگاد یا مرگ آن خواننده جوان (مرتضی پاشایی) این نسل خودش را نشان می‌دهد. این جوانان سبک زندگی متفاوتی دارند. همچنین چون سیستم نه در فرایندهای سیاسی، شغلی، مدیریتی کشور و... نقشی برای آنها قائل نشده بنابراین با پشتوانه پدران‌شان فرصت فراغتی فراوان دارند و در معرض آخرین تحولات جهان و دگرگونی‌هایی که در حال رخ‌دادن است، قرار می‌گیرند. کسی که با اینترنت و شبکه‌های اجتماعی سروکار دارد و آخرین تحولات دنیا را رصد می‌کند و تفاوت عمیق خودش را با دیگران احساس می‌کند؛ بنابراین اگرچه نسل‌های قبل از ۷۰ با واقعیات روزمره هم آشنایی دارند اما دهه‌های ۷۰ و ۸۰ در دنیای دیگری زندگی می‌کنند؛ چون اساسا در متن واقعیت جامعه قرار داده نشده‌اند. نه کاری دارند، نه آینده‌ای برای آنها متصور شده است. به دلیل بحران‌های سیستم برای این نسل هیچ کاری انجام نشده است. کارهایی هم که انجام شده، برعکس حالت تعرضی به آنها داده است. آنها در سال ۹۲ خود را بروز می‌دهند و در مرگ آن خواننده مشهور باز خودشان را بروز می‌دهند؛ اما کسی آنها را نمی‌بیند و نهایتا در سال ۱۴۰۱ طبقه متوسط به صورت پوششی به حالت انفعال افتاده، اما فرزندان آنها و فرزندان طبقات دیگر واقعا وارد نقش‌آفرینی می‌شوند. آیا ریشه این نقش‌آفرینی‌ها سبک زندگی است یا اقتصادی یا... است؟ به اعتقاد من جامعه ما دهه‌هاست که درگیر بحران‌های عمیق و پیچ‌درپیچ شده است. این مشکلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، اخلاق فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی، شکاف عمیق نسل‌های تاریخی، محیط زیست و... است. مجموعه این مشکلات طی زمان هر روز جامعه را به سمت یک جامعه معترض و ناآرام می‌کشاند. بعضی اصطلاح جامعه جنبشی یا جنبش‌های شورشی را به کار می‌برند، چرا؟ چون نیازهایش پاسخ داده نشده است.

مشکلات فراگیر در همه عرصه‌های زندگی ما رخنه کرده و فاصله بروزش کوتاه و کوتاه‌تر شده است. در ۱۴۰۱ وقتی مردم حوادث گشت ارشاد را می‌دیدند و متوجه نبود عدالت می‌شدند، واقعه مهسا امینی عامل ماشه می‌شود. اما صرفا عامل ماشه نمی‌توانست باعث تداوم آن در این مدت طولانی شود، بلکه همان مشکلات پیچ‌درپیچ علت تداوم بود. در این واقعه فقط جوانان و زنان نبودند که عامل اصلی بودند؛ پشت آنها پدران و مادران‌شان، اعتراضات اقتصادی، اعتراضات سیاسی و طبقه متوسط و حتی مشکلات اجتماعی عمیقی بود که توانست به آن تداوم بخشد. اگر اینها نبودند، قطعا این‌طور تداوم پیدا نمی‌کرد. در واقع صورت قضیه زنان، سبک زندگی و جوانان است؛ اما پشتوانه آن، بحران‌ها و گسل‌هایی است که اتفاق افتاده و همچنان وجود دارد. اما چون عامل مبقیه وجود دارد، این قضیه با یک حادثه دیگر رنگ‌وبوی دیگری پیدا می‌کند. تردید نکنید که جامعه دلخور است، اما این را که عامل ماشه چیست، کسی نمی‌تواند پیش‌بینی کند. مشخص نیست چه گروه‌هایی پیشانی اعتراض، شورش یا به عبارتی این انفجار اجتماعی خواهند بود. در ۴۰۱ جوانان و زنان بودند. در ۹۸ حاشیه‌نشین‌ها بودند و اینکه در دوره بعدی را نمی‌توانیم پیش‌بینی کنیم. اما عامل مبقیه یعنی گسل‌های سیاسی عمیق وجود دارد و هر روز سخت‌تر هم می‌شود؛ چون به آنها پاسخ داده نمی‌شود.

◆ آیا جامعه ناامید شده است؟

نمی‌توان گفت. مسئله امر تدریجی است و شما به تدریج و یک به یک امیدهایتان را از دست می‌دهید و به نقطه‌ای می‌رسید که کلا امیدتان را به تغییر و تحولات از دست می‌دهید. به نظر می‌رسد سال ۸۷ آغاز این روند است و به تدریج زیادتر شده تا به ۹۶ رسیده است. ۹۶ امید مردم دچار افت شدیدی می‌شود؛ یعنی یک ماه بعد از انتخاب آقای روحانی، ناامیدی به قدری کارآمد و تأثیرگذار شده که تقریبا امیدی به تغییر و تحولات وجود ندارد. طبقه متوسط امیدش را از دست داده است، ولی باز نمی‌توان گفت صد درصد است. شاید اگر تغییری در رفتارها رخ دهد، به تدریج و نه یکباره این امید برگردد، ولی من آثاری از تغییر رفتار نمی‌بینم و تغییری هم در تحولات آتی به سمت اصلاحات ارزیابی نمی‌کنم.

◆ اگر بخواهید در راستای تغییر به حاکمیت پیشنهادی بدهید چه می‌گویید؟

من هیچ پیشنهادی نمی‌دهم؛ چون منِ معلم باید بدانم کسی که متعلم من است، زمینه تربیت و تغییر را دارد یا ندارد.

◆ جدول ۴۵۸۴ ◆ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- زائوترسان- مظنون- مطبوع- پست و فرومایه ۲- آخرین طبقه برج‌های مسکونی- مسجد شیخ لطف‌الله به فرمان وی ساخته شد ۳- مرد عرب- کتابی مشهور از محمد اقبال لاهوری- به دنیا آوردن ۴- سهل و ساده- چابک- خشنود- مخترع تلفن ۵- جمع شیء- از حبوبات- خودستایی ۶- ترش و شیرین- از القاب امام علی(ع) - ستاره دنباله‌دار ۷- سرقت در اماکن شلوغ- واپسین- برس چارپایان ۸- دلیر- ستارگان ۹- کتاب هندو- بسیار مشتاق- معامله پایاپای ۱۰- طناز- روضه‌خوان- صوت شگفتی ۱۱- ضربه‌ای بر صورت- دانشگاهی قدیمی در آمریکا- ریخته‌شدن ۱۲- برهنه- ترس و وحشت- ثروت و دارایی- نوعی بیماری التهابی حاد ۱۳- نام آذری- رساله فارسی از شیخ محمود شبستری در تصوف- قاعده ۱۴- تناسب در موسیقی- شهر مکه ۱۵- در زمستان می‌بارد- از ملزومات حفاری- پارچه مشبک- بله انگلیسی

عمودی:

۱- مشهورترین آمیزه موسیقی و نمایش در تئاتر- ناشناخته- پارسای دیرنشین ۲- از صنایع استان هرمزگان- علاقه‌مند ۳- سعی- فیلمی ساخته داریوش مهرجویی- طاقچه‌بالا ۴- ابر نزدیک زمین- جانشینی- بسیار مهربان ۵- بلوز زنانه بی‌آستین- فرمانروای حبشی که با گروه فیل‌سواران به مکه حمله کرد- پسر حضرت اسحاق(ع) ۶- غذای خرگوش- از سازهای زهی در ارکستر سمفونیک- بنیان‌گذار ۷- خوش‌رفتاری- رهسپار- نودودومین سوره قرآن ۸- به نرمی رفتارکردن- از اقلیت‌های مذهبی ۹- غضب- زائده متحرک روی سر بندپایان- دیدارکردن ۱۰- حلقه بین پیچ و مهره- رمان مشهور رضا امیرخانی- از مرکبات ۱۱- قمشه کنونی- هدایت‌کننده- آتش ۱۲- نظر و اندیشه- شهر زیرزمینی در جزیره کیش- قدم یکپا ۱۳- وارونه‌اش خوب نیست- سرانجام- نوعی قایق ۱۴- از آثار هوشنگ مرادی کرمانی- رفع ابهام ۱۵- جناح لشکر- روزانه- مسافر سرزمین عجایب

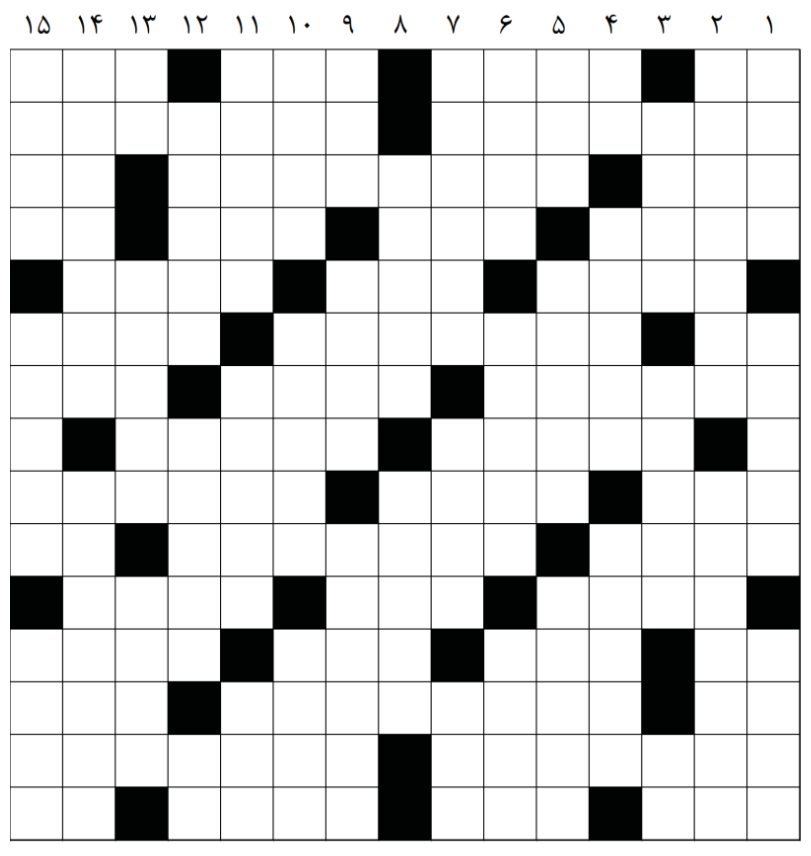

◆ حل جدول ۴۵۸۳

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	ک	ل	■	ک	ا	ر	ت	ن	ک	■	ش	و	ر	ه
۲	ب	و	ی	ا	ف	ز	ا	ر	■	س	ز	ا	ر	ی	ن
۳	ا	چ	م	ز	■	ک	ن	ا	ه	■	ر	خ	د	ا	د
۴	■	ه	و	ا	ی	ی	■	س	ج	و	د	■	س	ل	ب
۵	م	پ	■	د	ا	ل	ی	■	ر	ی	ا	س	ت	■	ا
۶	ت	س	خ	ی	ر	■	د	خ	ت	ر	ل	ر	■	ف	ل
۷	ی	ک	ی	■	د	ل	ک	و	■	ک	و	د	ا	ل	■
۸	ل	و	ا	م	■	ج	ی	ن	ک	و	■	ی	و	س	ف
۹	■	چ	م	ر	ا	ن	■	ا	م	ل	ت	■	و	ف	ق
۱۰	ر	ه	■	غ	م	ز	ی	ب	ا	■	ا	ب	ل	ه	ی
۱۱	و	■	ا	ک	و	ا	ن	■	ج	ع	ب	ه	■	ا	ر
۱۲	س	ن	د	■	خ	ر	ا	س	■	م	ش	ا	ی	خ	■
۱۳	ف	ق	ا	ه	ت	■	ل	ی	د	ر	■	ر	ا	ل	ی
۱۴	ی	ا	ر	م	ن	د	■	ا	م	ا	د	ه	ب	ا	ش
۱۵	د	ب	ی	ت	■	ف	و	ق	ا	ن	ی	■	س	ق	م

◆ حل سودوکو سخت

۳	۹	۲	۴	۶	۸	۱	۷	۵
۷	۱	۸	۵	۹	۲	۳	۴	۶
۵	۶	۴	۳	۷	۱	۸	۲	۹
۶	۵	۱	۲	۴	۹	۷	۸	۳
۴	۷	۹	۶	۸	۳	۵	۱	۲
۸	۲	۳	۷	۱	۵	۹	۶	۴
۲	۸	۷	۹	۵	۴	۶	۳	۱
۱	۴	۵	۸	۳	۶	۲	۹	۷
۹	۳	۶	۱	۲	۷	۴	۵	۸

◆ حل سودوکو ۳۵۷۹

۳	۸	۱	۴	۵	۷	۲	۹	۶
۶	۲	۷	۸	۹	۳	۱	۴	۵
۴	۵	۹	۶	۱	۲	۳	۸	۷
۷	۹	۶	۵	۳	۴	۸	۲	۱
۲	۱	۴	۹	۶	۸	۵	۷	۳
۸	۳	۵	۲	۷	۱	۹	۶	۴
۱	۶	۳	۷	۸	۹	۴	۵	۲
۵	۴	۸	۳	۲	۶	۷	۱	۹
۹	۷	۲	۱	۴	۵	۶	۳	۸

◆ سودوکو سخت ۳۵۸۰

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۹				۷	۸		
۶					۵	۳		
	۷	۳				۹		۵
۸				۵		۶		
	۱		۸		۶		۴	
		۶		۲				۷
۱		۴				۷	۳	
		۷	۵					۶
		۸	۱				۵	

◆ سودوکو ساده ۳۵۸۰

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۵	۲	۷			۹	۴	۶	۸
		۳				۷		۵
۸	۶	۱		۴				
			۴			۹		
۲		۴		۷		۸		۳
		۵			۲			
				۸		۶	۷	۹
۶		۹				۵		
۴	۷	۸	۹			۲	۳	۱